آیا دانا

ارگان
حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم

روزهای انتشار یکشنبه چهارشنبه
شماره مسلسل ۱۱۰
نشانی میدان بهارستان
چهارشنبه ۲۶ شهریور ماه ۱۳۳۱
تکشماره ۲ ریال

سرطان استعمار آمریکا را پیش از آنکه در پیکر میهن ما ریشه

گند ازین بر کنید

سالیان دراز میگذرد که ملت ایران در زیر چنگال دو استعمارخون آشام روس و انگلیس دست و پا میزند و امروز هر ایرانی شرافتمندی با دیده بغض و نفرت بر این دو چپاولگر نگریسته و آنها را دشمنان تاریخی میهن خود می شناسد

اما اکنون که پس از صدو پنجاه سال سیه روزی و در بدری، ملت ایران سر از خواب غفلت بر داشته و به ستیز با استعمار پرداخته. بیگانه نورسیده دندان طمع تیز کرده و از راه دور با شیوه‌ای مزورانه برای زنجیر کردن ایران عزیز براه افتاده.

آمریکا ... این استعمار تازه نفس بکمان خود میهن ما را لقمه چرب و نرمی یافته و برای بلعیدن آن دهان گشوده است ...

سوداگران جهود منش آمریکائی که امروز در سراسر جهان برای جانشینی لردان دزدکناره تایز و برابری با غارت گران روسی یقه درانی میکنند ایران را سرزمین سیم و زر یافته و در کمین غارت آن نشسته اند.

شیوه‌ای که امروز سیاستمداران خشک مغز واشنگتن برای استعمار میهن ما در پیش گرفته اند همان حربه زنگ زده‌ای است که همه دولتهای استعماری یکچند آنرا بدست داشته اند.

آمریکائیها با همان روش جهود مآبانه خود و بنام کمک به ایران گرسنه و دربدر، میکوشند حلقه استعمار سیاه خود را بر گردن ملت زنجیر گسسته ما افکنده و همان راهی را به پیمایند که سالهای پیش روس و انگلیس با استفاده از غفلت و نادانی یکمشت مردم از دنیا بی خبر پیموده اند.

چندسال است که غوغای کمک آمریکا بایران کوشها را کر کرده ...

چند سال است که آمد و رفتهای سوداگران آمریکائی چشمها را کور کرده و در و دیوار میهن ما از تبلیغات زهرآگین آمریکائیها پرشده ولی یک گام بسود ملت ایران برداشته نشده.

امروز بهر اداره از دستگاه دولتی که سر کنید یک آمریکائی گردن گلفت پشت میز نشسته ...

در هر دهکده که پا گذارید یک آمریکائی آمد و رفت میکند ولی هنوز یکریال بایران کمک نشده.

اگر چند ملیون دلار هم بایران رسیده همه آن صرف عیش و نوش مستشاران بی سواد آرتشی و جاسوسانی که در اداره اصل چهار آقای ترومن کار میکنند شده.

ملت ما اصولا نیازی بکمک آمریکا ندارد که هیئت حاکمه اینگونه برای بدست آوردن آن دامن آنها را چسبیده ... ایرانی استعمار زده ترجیح میدهد که درمیهن خود از گرسنگی و ورهنگی بمیرد ولی دست گدائی پیش سرمایه داران بیگانه دراز نکند.

ملت ایران برای بیرون راندن غارتگران انگلیسی این همه سختی کشیده، اینهمه مبارزه کرده است نه برای آنکه جای آنهارا بدزدانی چون امریکائیها بسپارد بلکه برای طرد هرگونه استعمار بیگانه این راه سخت گذر را پیموده

امریکائیها نه تنها در این مدت کوچکترین کمکی برای

بقیه در صفحه ٤

در ایران ما

چرا سر لشگر بهارمست دست عمال بیگانه را در ارتش باز گذاشته است - آتش زدن خرمنها و جنگلها بدست عمال ستون پنجم روسیه - سفارت ایران در ترکیه مرکز جاسوسی

و توطئه برعلیه ایران شده است - رحیم نامور جاسوس بیگانه در شرکت بیمه چه میکند؟ ده و نسترا سیون باشکوه امضاء حزب ملت ایران در بابل - رانندگان خطوط ۵ و ۶ و ۲۵ در تمام تظاهرات ملی پیشقدم میباشند

در ص ۴

ح - غفوری

آقای دکتر مصدق

بصادر کنندگان اعلامیه مشترک بگوئید

ممکن است خون این نسل غیور و انتقامجوی بر خاکهای سرد ایران ریخته شود

ولی در قاموس ما هرگز نام تسلیم وجود نخواهد داشت

هرگاه پس از قیام عظیم ۳۰ تیر پیشنهاد و یا مذاکره از طرف انگلستان و ایادی شرکت نفت با مقامات مسئول ایران پیش میآید بی اختیار صحنه های خونین و تاثر انگیز آن روز عجیب و پرماجرا در جلو دیدگانم مجسم میگردد.

باز صفیر گلوله های جانگداز را می شنوم که قلب مردمان بیچاره ما را پاره پاره میکند و یک یک بر زمین میغلطند

صدای نعره زنجیرهای تانک را می شنوم که چرخ زنان بروی اجساد مردم میگردد و استخوانهای دست و پای آن جانبازان یک یک میشکند در حالی که فریاد میزنند:

پاینده ایران زنده باد دکتر مصدق.

می بینم که عده‌ای از جان گذشته اجساد کشتگان خود را بروی دست گرفته و با فریاد لا اله الا الله در خیابانها میگردانند

میشنوم که زنان بسر میکوبند و بر انگلستان و نوکران خونخوار و دیوانه

بقیه در صفحه ۳

تاکاخ بیدادگری ارباب در دهات درهم فرو کوبیده نشود کشتگر ایرانی روی آسایش نخواهد دید

سیاست جنایت کارانه دو امپریالیسم روس و انگلیس هر لحظه ملت آزاده ایران را بسوی بدبختی و ناتوانی پیش می برد و عفریت فقر و بیچارگی چنان عرصه را به آزادگان شرافتمند ایرانی تنگ می کرد که در هر دوره‌ای از زندگی خود ناچارا یکی از صفات برجسته و تابناک تاریخی خودرا از دست میداد تا بدانجا این سیاست خانمان سوز ادامه یافت که اصیل ترین و بزرگوار ترین مردم یعنی

بقیه در صفحه ۲

پان ایرانیسم بزبان ساده (۵)

پان ایرانیسم اندیشه ایست مختص بایران و سازنده فرهنگی است برای جهان

فرهنگ ملی و فرهنگ استعماری

تا اینجا ما برای تو ای ایرانی در زنجیر، این واقعیت را نشان دادیم که میهن تو چگونه در آتش پراکندگی ها و جدائی ها میسوزد و چگونه یکمشت مزدور خون آشام بنام هیئت حاکمه بر موجودیت و بقای تو بخاطر منافع بیگانگان فرمانروائی می کنند و نیز ما برای تو ای کسیکه بپانایک ناسیونالیسم بیدار ملت ما از خواب فراموشی برخاسته ای، این راز را آشکارا بیان کردیم که دشمنان دیرینه تو که امروز بنام دولت های همجوار نامیده میشوند چه کسانی هستند و چگونه تخم فقر و تنگدستی نفاق و جدائی و خلاصه همه عوامل خفقان حیات را درمیان مردم میهن تو پراکنده کردند و از تو خواستیم برای ایران و به پاس عظمت میهن خود جانبازی کنی و با دشمنان ملت خود تا روز پیروزی آشتی نکنی و شمشیر خودرا هیچگاه فراموش ننمائی.

این گوشه‌ای از تاریخ میهن تو بوده پان ایرانیسم دست توانائی است که همه پرده‌ها را برمی گیرد تا جنایتهای یکصد و

بقیه در صفحه ٤

احگر

ارتش ایران

(۵)

اکنون که جناب آقای دکتر مصدق مسئولیت وزارت دفاع ملی را پذیرفته اند، وقع را مغتنم شمرده نظریات و انتقادات خود را درباره ارتش ایران ابراز میداریم.

نیروی دریائی جنوب

بهرحال مدت ۶ ماه دوره دانشجوئی احتیاط بسرعت سپری شد و شب عید ما دانشکده افسری را ترک کردیم در حالی که از این دانشکده جز یک مشت فرمول های خشک و آشفتگی بطرز و وضع چشمها و بدتر از آن وقوف کامل بفساد و پلیدی این دستگاه چیزی درک نکردیم.

من به تعقیب روح سربازی و نظامی در این دانشکده دچار تعقیب فرهنگ استعماری

بقیه در صفحه ۳

ترجمه: م-ب

وقتی کمونیستها آمدند

(۹)

کاظم اکبرزادگان
تهران

نبرد پیروزمندانه سورنا سردار شجاع ایرانی با کراسوس سردار بزرگ امپراطوری روم

پس از اینکه پیش آمد هولناک لشکر کشی اسکندر به مشرق بامراد او و از بین رفت قوم تازه نفس ایرانی که معروف به اشکانیان هستند پس از یک سلسله مبارزات درخشانی علیه سرداران و جانشینان اسکندر قسمتی از مشرق ایران را از چنگال بیگانگان آزاد و از همانجا با تمرکز اجزاء پراکنده نیروهای ایرانی پس از چندین جنگ خونین و هولناک قسمت بزرگی از نقاطی را که جزء ایران بود بدست آوردند.

اردیا نخستین پادشاه اشکانی است که با دولت توانای روم پیروزمندانه جنگیده اکنون جریان یک نبرد قهرمانانه اورا برای آگاهی ملت ارجمند ایران درج میکنیم تا هم مانند آنان استقلال و عظمت و سرافرازی میهن بزرگ خودرا حفظ نموده و وحدت یک ایران بزرگ را فراهم سازیم و آهنگی که از ژرفای اقیانوس ها در گوش ما ملت ایران بزرگ طنین انداز گشته است به تصمیمات جدی تری مبدل ساخته و بنام ناسیونالیسم یا پان ایرانیسم به اوج عظمت و سرافرازی برسانیم

«زمستان سخت با سرمای غیرقابل تحمل آن در سوریه و جلگه های بین - النهرین کم کم از بین میرفت سردار بزرگ امپراطور روم کراسوس فرمان داد تا سپاهیانش در نزدیکی مرزهای ایران با تمام تجهیزات جنگی اردو بزنند و بحالت بیدار باش منتظر دستور حمله باشند.

در ایران بفرمان اردیا شاهنشاه اشکانی سفرائی بدربار کراسوس فرستاد تا از چگونگی روابط آینده و اندیشه های سیاسی او در باب ایران آگاه کرد و علت تمرکز سپاه فوق العاده آن دولت را در نزدیکی شهرهای ایران جویا شود.

سفرای ایران با بهت و وقار مخصوص با زبان بزرگی که سردار رومی از سر - کردگان و حکام خود تشکیل داده بود وارد میشوند.

هنگامیکه همگی بجایگاههای ویژه خود قرار میگیرند و بسیگزبا واکیز

بقیه در صفحه ٤

نمونه از جعل خبر روسی نامه بسوی آینده (پیوند ما)

نامه زیر از طرف دانشجویان آموزشگاه پست و تلگراف و تلفن برای درج در این روزنامه ارسال شده است.
اداره محترم روزنامه ملی ومبارز آپادانا

روز جمعه ۲۱ شهریور جاری در میان همه اخبار جعلی و ساختگی روزنامه بسوی آینده خبری سراپا ساختگی و بی اساس بآموزشگاهی که ما امضاء کنندگان زیر در آن تحصیل میکنیم ستونهای روزنامه خودرا پر کرده است.

مبنی بر اینکه آقای عبدالعظیم قره گزلو ناظم و آقای مهدی قره گزلو رئیس دفتر آموزشگاه در موقع پذیرش شاگردان غیر صلاحیت داراخاذی میکنند و مبالغی بعناوین کمک بسازمان شاهنشاهی و غیره و از دانشجویان میگیرند و ده ها موارد اخبار دروغ دیگر. . . .

بدینوسیله افکار عمومی را متوجه دروغ پردازیهای روزی نامه مذکور نموده از جارشدید و نفرت کامل خودرا بیش از پیش نسبت به عناصر مزدور و منفور گردانندگان روزنامه بسوی آینده اعلام می داریم و از ناظم و رئیس دفتر آموزشگاه پست و تلگراف که افرادی شرافتمند و از خانواده اصیل میباشند کمال رضایت را داریم و بجرات سوگند یاد میکنیم که تا کنون کوچکترین عمل خلافی از نامبردگان مشاهده نکرده ایم و وفاداری خودرا نسبت بآنان برای همیشه ابراز میداریم -

تقی ابراهیمی - حسن هزارخانی - هوشنگ نیری - نصرالله امینی - حسین شاهمیری - علی بری - ابوالقاسم یوسفی - پرویز مجید زاده دارو گر - جمشید چهارتیزی - اسداله سیروس - رضا نورعلی - شیگرد - دیبری - قدرت هزارخانی - اسماعیل هاشمی معدلت - جراح زاده - قمی - شیرزای - احمدی - وحدانی - طباطبائی محسن پور - گل بابائی - رضائی

روبداد تاریخ — از: نوید

ژاندارک

دردهکده «دومرمی» درکنار «موز» دختری پای بگیتی نهاد که میتوان بگفته فرانسویان ویرا ها بش شارل هفتم پادشاه آنکشور نامید این دختر یکی از نوابغ و نامیان وجنگ آوران است،

یکی از نویسندگان فرانسه وجاهت ودلربائی این زن تاریخی را اینسان می ستاید:

«ژاندارک چهره متناسب وزیبا وچشمانی درشت وآبی؛ بینی کوتاه وکمی مختی، وضعی موقر ومغرور، پیشانی بلند وتابناک که چند حلقه سیاه برآن سایه افکنده بودداشت، لبانی ظلیف وسرخ رنگ ابروانی نازک ودلربا در بالای چشمان ابی رنگ اودو قوسی ظریف ساخته وسایه مژگانش این چشمان درشت آبی را سیاه رنگ مینمایاند»

ژاندارک دوران کودکی را در دامان گرم پدر ومادر مهربان در کمال خوشی وکامیابی به پایان رسانید وی بامدادان پای از کلبه برون می نهاد و به کلیسا میرفت وتاظهر سرگرم خواندن کتب مذهبی بود هرروز عصر گاه باقایقی چوبین درروی امواج رودخانه «موز» بگردش میپرداخت وبادیده بنیا به بزرگی وتابناکی طبیعت دل انگیز مینگریست.

هنگامی که فرنسه زادگاه وی آشفته بود واز هرسوخنجری از پشت بمادر

بقیه در صفحه ۲

MANCHESTER 1824
The University of Manchester

This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library's website -

www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing.

قابل توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک, لطفآ به لینک زیر مراجعه فرمایید:

http://www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing

بر اساس این مقررات, هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.

تاکاخ بیدادگری

بقیه از صفحه ۱

دهقانین وکشت گران ایرانی در زیر سلطه یك مشت فئودال وسرمایه دار خونخوار قرار گرفتند .

دهقان ایرانی در زیر تازیانه بیداد گری ارباب همه چیز خودرا از دست داد وناچارا قلاده مستحکم بردگی ارباب را بر گردن خود استوار ساخت .

دولت خونخوار انگلیس بخوبی از تاریخ پرافتخار ایران زمین اطلاع داشت و میدانست چگونه و بچه طریق ملت بزرگوار و شرافتمند ایران ، ملتی راکه روزی باپرورش دادن نوابغ ودانشمندانی چون بوعلی سینا ها وذکر یرازی ها وو جهان جهل ونادانی را باانوار دانش خود روشنائی بخشید .

آری ملتی راکه در تمام دوران زندگی سیاسی و تاریخی و اجتماعی خود پیش قراول نشر تمدن در ممالك بدوی وحشی وقهرمان فرهنك ودانش دردنیای تاریك وحشتزا ومظهر تقوی وبزرگی وآقائی نست بزیردستان بوده چگونه زبون و ناتوان سازد.

دشمنان عظمت وافتخار ایران بخوبی دریافته بودند دهاقین وکشتگران ایرانی ، این اصیل زادگان شرافتمندی که در شریان های آن ها خون پاك ومقدس آریا درحرکت است .

خون مطهری که درهمه حال آماده تقدیم بمام وطن است .

آری دهقان آریا نژاد ایرانی وقتی حس کند که روزی دشمنی میخواهد استقلال و حاکمیت وآزادی اورا ملعبه دست قرار دهد آرام وقرار وسکوت ازاو سلب می شود ، قیام میکند بادشمن می ستیزد تابدان جاکه کشتزارهای خود را ازخون دشمن آبیاری کند وبرچم انقلاب و انتقام راکه ازخون دشمن رنگین ساخته است برفراز مزار خود باهتزاز درآورد .

دشمنان ایران بخوبی ازقیام ونهضت دلیرانه کشتگران ایرانی برهبری ابومسلم خراسانی برای انتقام گرفتن از اعراب اطلاع داشته که تمام افکار وحواس آن ها متوجه این دسته ازمحروم ملت ایران شد.

آنها تمام قوای خودرا علیه آزادگان شرافتمند ایرانی یعنی دهاقین وکشتگران بکار بردند بانواع وسایل برای تضعیف وازبین بردن قدرت وقوت دماغی کشتگران ایرانی متوسل شدند ، آنها کوشش کردند که دهقان ایرانی رااز جریانات وسوانحی که برکشورش میگذرد بی اطلاع نگه دارند لذا ناچار شدند قوای دماغی قدرت جسمی وعظمت روحی اورا تحلیل برند ویا بکلی مراکز عصبی اورا نابود سازند .

ازاین رو تریاك ، الکل وفحشاء رادر میان آنها رواج دادند .

ارباب نوکر صفت و دستنشانده ای انتخاب کردند تا دهقان را اذیت وآزار کند واورا تحت فشار سخت اقتصاد قرار دهد .

واتوماتیك شان ازاد کار کند واراده اورا درمقابل ارباب از کار بیندازد .

این فشار سخت و این قدرت مطلقه ملاکین بیرحم و اربابان خونخوار هر گونه اراده وتوانائی را ازکشتگر ایرانی سلب کرده است اربابان دهاقین را ناچار میسازند بدون دستمزد برای آنها کار کنند ازکودك ۵ ساله تا پیرزن وپیرمرد ۸۰ ساله میباید بدون درنك ازسپیده صبح تا نصف شب برای ارباب جان بکنند کوچکترین مخالفت درمقابل اوامر ارباب اظهار دریافت دستمزد یاحقوق باتازیانه وزجروشکنجه ارباب رو برو میشود .

قدرت فرعونی ارباب و استبداد سپاه و مظلقه اوجنایتها و آزار وشکنجه های عمال اودهاتین را ناچارساخته است بدون اراده ودریك ماشین واردرسرمای سخت زمستان ودرگرمای طاقت فرسای تابستان زحمت بکشند وکار کنند ودم فرو نیآورند تا تمام دسترنج او بجیب ارباب سرازیر شود ازپس شلاق بیدادگری فئودالها و مالکین بسرروی زارع بدبخت وکشتگر خورده است رنج دیدن وآزار کشیدن ومحروم بودن از تمام مزایای تمدن ، و کار کردن وسود نبردن وجان کندن برای ارباب والازم زندگی میداند وهیچ نمیتواند حس کند که اگر کسی زحمتی کشید وکاری کرد باید نمره اش نصیب خود او گردد رعیت ودهقان ایرانی گمان میکند **او و امثال او باید شبانه روز جان بکنند وکار کنند تا یکعده معدود وقلیل ودرعین حال طفیلی اجتماع بنام مالك وارباب ازدسترنج آن ها در کمال خوشی و راحتی بسر برند وازثمره کار آنها بعیش ومستی پردازند .**

در حالیکه خود دهقان درمنتهای سختی وزحمت بسرمیبرد و ازتمام وسائل ولوازم اولیه زندگی یعنی دکتر ودارو و صحت وسلامتی محروم میباشد واگر خدای نکرده مریض شد باید چون دیگر اهالی ده که مریض شدند ومردند اوهم راه نیستی وفنا را درپیش گیرد .

راحتی وآسایش دهقان ایرانی موقعی است که درزیرخاکهای مرطوب قبرستان درخواب مرك فرورود مرك برای گشتگر ایرانی بزرگترین هدیه ایست که ازطرف طبیعت بزارع اهداء میشود و آن دهقان بدبخت این ارمغان را با چهره گشاده بالبان تبسم وآغوش باز استقبال میکند وخنده وقهقهه این دنیای محنت بارراکه درتمام طول زندگیش جزرنج وصدمه و آزار کشیدن وشلاق خوردن ازارباب چیز دیگری ندیده است وداع میکنند این رغبت بمرك ، این میل و استقبال برای نیستی وفنا جزبرای بردگان وغلامان قرون وسطائی که اززوروشکنجه ارباب مرك را استقبال میکردند برای کس دیگری متصور نیست ودر تاریخ جای دیگر صحبت ازاین موضوع نمیشود ولی درایران زمین، درمهد آزادگان ومخالفین برده فروشان و زنجیر کردن انسانها یك مشت فئودال وملاك دهاقین وزارعین ایرانی را برده وغلام خود ساخته اند وحیات وهستی آنها را ملعبه هوی وهوس جنایت کارانه خود کرده اند .

وبا انواع شکنجه ها وآزارها قدرت خود رابرآنها تحمیل کرده وقدرت دهقان را درمقابل خود منکوب ساخته اند دهقان حق ندارد فرزندش را باسواد کند اصولا ارباب نمیگذارد دبستان ومکتب خانه ای دردهات بازشود که دهقان فرزند خود را بدانجا فرستد ارباب نمی خواهد کشتگر و زارع با سواد شود تا متوجه حقوق و رنج بی پایان خودش گردد

وروزی نرسد که درمقابل قدرت فرعونی ارباب وفئودال بپاخیزد وحقوق خود را استیفاء نماید.

آری ارباب وملاك ازموقع حصول محصول تمام همت وکوشش خود رابکار میبرد تابا انواع حیل ودسیسه ها محصول جزئی زارع را غارت کند تا همیشه دهقان مطیع ومنقاد محض او گردد.

ونتواند فرزند خودرا بکسب دانش و علم بسوی شهرستانها روانه کند این است وضع دهقانان ایرانی، این است زندگی اکثریت مردم ایران زمین که بدست یك مشت زالوی خونخوار ویست بدین روز سیاه نشسته اند .

تاکی باید این وضع طاقت فرسا در دهات ایران ادامه یابد وملیونها ایرانی آزاده درزیر پنجه های کرك صفت ارباب ازهستی ساقط، وکوچکترین حق اظهار حیات نداشته باشد .

تاچند باید ملیون ها زارع ایرانی ازهمه وسائل زندگی محروم واز حداقل معیشت بی نصیب باشد در حالی که تمام انرژی وقدرت شبانه روزی او صرف کشت وکار میشود ودسترنج اورا ارباب بیغما میبرد وبرروی اسکلت واجساد او کاخهای آسمان خراش ساخته میشود وارباب هرشب در آغوش مهوشی تاصبح بسر میبرد؟

کدام قانون، عرف ومسلك ومرامی میگوید کار وزحمت، گرسنگی خوردن ، دفاع ازکشور وناموس ملی ، مالیات دادن همه بهمه کارهای مملکت بگردن دهقان وکارگر ایرانی باشد .

ولی آنها ازیك زندگی شرافتمند و انسانی محروم باشند ، در حالی که خیانت بکشور وپشت پازدن بمنافع ملی وفرار از خدمت بمیهن ضربه زدن بریشه حیاتی مملکت درمواقع حساس ندادن مالیات ، ازآن اربابان وسرمایه دارها ونئودالها باشد ودرعین حال استفاده کردن ازتمام وسائل زندگی وبرخوردارشدن ازهمه مزایای تمدن هم مال آنها باشد ؟

فیردیگر نباید اجازه این ترك تازی ها و جنایت کاریها راکه باین عده معدود نئودال بی عاطفه وسرمایه دار خون خوار داد .

باید بیدرنك این تضاد عجیب اجتماعی واین شکاف عمیق طبقاتی را دست پرورده سیاست های بیگانه است از میان برداشته شود .

باید بهمان اندازه که سرمایه دارو نئودال از زندگی بهره میبرد واز تمدن مستفیض میگردد آن کارگر ودهقانی که کار میکند ، مالیات میپردازد ودفاع مملکت رابعهده دارد ودر میدان نبرد برای سربلندی وعظمت ایران میجنگد وخون خود را برایگان تقدیم مام وطن میکند نیز از مزایای تمدن برخوردار شود .

ملت ایران برای انجام این خواسته های کارگران و دهقانان ایرانی به تنها حزب قهرمان خودفرمان داده است که سر لوحه برنامه عملی خودرا سپردن سرمایه و زمین ها بصاحبان اصلی آنها که کارگران ودهقانان ایرانی هست قراردهد.

ملت ایران ازاین پس دیگر اجازه نمیدهد که افراد حقیقی او یعنی دهقانان وکارگران پاك سرشت ایرانی از یك زندگی شرافتمندانه ای محروم باشند در حالی که دسترنجشان بجیب دشمنان ملت یعنی یك مشت سرمایه دار و نئودال بی ایمان و عاری ازعلاقه بوطن سرازیر میگردد .

حزب ما بفرمان تاریخ و نیاز ملت ایران میکوشد عوامل این بی عدالتیها و بی وجدانیها که زمین داری بزرك است ازبیخ وبن برکنند وهرکس را به نسبت شایستگی وسودی که بملت ایران میرساند ازثروت کشور برخوردار سازد .

ما با کوشش خستگی ناپذیر خود می کوشیم ، تا دهقانان کشتگران ، کارگران ایرانی را بحقوق حقه خویش آگاه ساخته وآنها را بسنگر مقدس حزب ملت ایران رهبری کنیم تا همه با هم وبا یك آهنك وبایك یورش، کاخ بیدادگری ویغماگران اربابی را درهم فروریخته واملاك غصب شده را ازانها پس گرفته وبصاحبان اصلی آنها بازدهیم .

ای کارگر ـ ای کشتگر ایرانی. پیش بسوی دژ شکست ناپذیریکه تاریخ برای نجات تواز زیربارمذلت و رنج وسختی بوجود آورده است .

پیش بسوی پیش آهنگسان طلیعه سعادت ایران زمین یعنی جوانان ازخود گذشته حزب ملت ایران بربنیادپان ایرانیسم

ژاندارك

بقیه از صفحه ۱

میهن فرومی رفت وازسوئی «هانری ششم» شاه انگلیس درپاریس وازطرفی شارل هفتم پادشاه فرانسه در «بورژ» خودرا فرمانروای کشورمیدانستند اوپانزده بهار پرطراوت رانگریده بود

هر روز بخشهای ارزنده ای از فرانسه جدا ودرکام انگلستان غوطه می خورد جور وستم کم کم فزون می شد و رفته رفته به گوشه های رود موز ودهکده زیبای «دومرمی» میرسید .

ژاندارك پس ازسالها هنوز بروش دیرینه روحا از بامداد در کلیسا بسر میبرد وبرای رهائی فرانسه دست بدعا والتماح میکشود وروز بروز شعله های سوزنده آتش میهن پرستیش دامن زده میشد واورا به قیام و خاستن تشویق میکرد عشق وعلاقه میهن چنان سراسر وجودش رافراگرفته بودکه انگاشت ازسوی خدا برای رهائی فرانسه فرمان گرفته و این پندار هنگامی پایدار شد که روزی در آستان کلیسای فرانسه از انبوه سر به زانو گذاشته و به عشق وطن می گریست .

درینگاه درنگاهش جلوه کرد که سایه ای باومیگوید «:بپاخیز ،مرد باش واز طوفان دربدری ها مهراس ،وآهنك رهائی فرانسه بنواز،تواز سوی عیسی پیام داری که برای آزادی فرانسه بستیزی عیسی گواه ونگران اعمال تست»

پس از آن روز همه روزه ارواح پاك و تابناك ومقدس که از پی نیکی و زیبائی در کالبد انسانی بدرن شده و اورا راهنمائی می کنند در کلیسا در رویا بدو آشکار گشته دل ودیدار ویرا روشن وهشیار میساخت واورا دررهائی فرانسه رهبری مینمود .

آری...

ژاندارك اراده کرد وبا روحی شادان ودرعین حال گرفته ازدوری بستگان باپدر ومادر خویش وخویشان درروو وداع کرده ویکه وتنها نزد فرماندار «موز» روان شد فرماندار پنج سوار ازجانگذشته بدنبال وی بسوی پوانته جایگاه شارل هفتم پادشاه فرانسه رهسپار داشت

دو روز ازورود ژاندارك به پوانته میگذشت که وی نزد شارل هفتم پادشاه میهن شتافت و گفت «پادشاه محبوب من ،نام من ژاندارك واز سوی شاه جهان که شاه فرانسه نیز هست فرمانگذارم که ترا مدد کنم ونوید گشایش وپیروزی باستانت اهدا نمایم وگویم که زودی در شهر رمس «تاجگذاری خواهی کرد»

شارل هفتم دیدگان بسی فروغ او و صداقت و پرهیز وی را می دید ولی نمیخواست بزودی فریب دختر دهقانی را بخورد و سرسپار دستوروی کردد ازین روی مجلسی بفرمان او برگزار شد وکشیشان واستادان دانشگاه پوانته را برای آزمودن وی خواند.

ژاندارك درین مجلس نخست آنچه که ازنخستین روزهای شناسائی خود برای میهنش می پنداشت وخوابهائیکه در کلیسای «دومرمی» دیده وآنچه که شنیده بود شرح داده وگفت «من برای الهام معجزات بدین جا نیامده ام اگرحامی من شوید به «اورلئان» رفته وشهر نامبرده را میستانم»

یکی ازاستادان زیرك دانشگاه به کنجکاوی ازوی پرسید الهام آسمانی بچه زبان بشما وحی میشد وی پاسخ داد که اززبان شما بهتر بود .

کشیشی سخنان دیگران را رید وگفت اگرخدا میخواست فرانسه را رها بخشد نیاز بدختر کی نداشت ژاندارك درپاسخ گفت : اگرفرنسویان باهمیت مدد کنند خداوند به آنان ظفر وپیروزی می بخشاید.

شارل هفتم که پایه های سلطنت را لرزان می یافت ونیاز شدیدی به یك سردار رزمنده وشجاع داشت اورا پدیده ای دانست که ازسوی پروردگار برای رهائی وی فرستاده شده بدین سبب گفت ما که شاه فرانسه هستیم ازدیدگار ژاندارك اشعه نورانی ازراستی ودرستکاری را تابان می بینیم بدینجهت ماموریت ویرا آسمانی دانسته ووی بسررا کردکی شش هزار سپاه میگماریم

بامداد فردای آنروز ژاندارك دختر دهقان لباس سپیدی برتن ،تبرکوچکی برکمر،شمشیر بلندی که آن کلیسای «سنت کاترین» آورده بودند بر کمر و پرچم سفیدی که روی مسیح کشیده شده بود که دوملك تاج گل برسر او می نهند و این کلمات برآن نوشته بود «عیسای مریم» دردست گرفته سوار اسبی سیاه شد ودرکنوی و برزن شهر پوانته براه افتاد مردم که این دختر ك زیبا و دلربارا بدان شکل با درکاب جانبازی وفداکاری دیدند ازجوش وخروش وغوغای میهن پرستی لرزه براندامشان افتاد ژاندارك زبان بگویندگی وپند اندرز کشوده گفت:

(ای مردم پوانته .هم اکنون که میهن عزیز شما درچنگال اهرمن است جانبازی کنید برای ستیز بادشمن هماهنك شوید برادران شما در ادلئان دیده بمددشما برهم می نهند اکنونکه دست بیگانه بوطن دیرین سال شما دراز شده اکنونکه میهن شما درشرف انهدام است اکنونکه برادران لخت وعور اورلئانی در گرداب گرسنگی بسر می برند ،اکنونکه تخت وتاج شاهی فرانسه میلرزد گردآئید. فراهم شوید .کمك کنید کشورتان از دست میرود)

* * *

شامگاهان که آفتاب جهانتاب اشعه زربفت خویش را نهان میساخت مشتی ازمردم پوانته باتوشه کافی گرد ژاندارك رزمجوی راگرفتند وکمرهمت ومردانگی بستند تافرانسه را رها بخشند

شش ماه بود که انگلیسها شهر بزرك اورلئان رادرمحاصره داشتند سه ماهه نخست توشه مکفی. بوازطرف مردم سخت پایداری میشد آنها همه کاخها وکلیساها را ویران کردند تا دشمن نتواند در آن جایگیر گردد و توپهای آتشبار خویش را بقلعه کشیده بودند ناگلوله های مرگ را برسر دسمن فرو ریزند ولیکن سه ماه گذشت و حلقه محاصره تنگتر وفشرده تر گردید خواربار اهالی پایان میپافت وگرسنگی فزون میشد فضای اورلئان قهرمان را یاس و ناامیدی فرا میگرفت دسته دسته ازمردم رهسپار دیار مرك میشدند وچیزی به تسلیم نمانده بود

درین گرداب تنك ودرماندگی. گرسنگی وبدبختی، ژاندارك مقدس باسپاه و آذوقه درون شهر شد پیشوازیکه مردم اورلئان ازوی نمودند اورا فرشته رهائی بخش وآسمان سائی پنداشتند ژاندارك باگفته ها و سخنان آتشین خود دلهای مردم را ازامید و وفاداری خود انباشته میکرد اهالی را بکمك خدای بزرك امیدوار، ومشتی ازپیکار جویان آنان رابرگزیده تاصحنه در ستیز همرزم وی گردند. فردای آنروز ژاندارك پس از سخنرانی جامعی که درانبوه توده مردم کرد رسولی نزد انگلیسهای اهرمن منش فرستاد و پیام داد که از سه چیز یکی را برگزینند یابدون جدال دست ازستیز بدارید یا بافرانسه همساز شده به نجات اورشلیم شتابید یاآهنك جنك نمائید .

انگلیسها از زیادگی خودپسندی وعجب .فرستاده ژاندارك را به تمسخر ردکردند.

ژاندارك مصمم شد بجنگد .

* * *

شب از نیمه میگذشت وخون شهدای راه آزادی فرانسه میجوشید دراین هنگام ژاندارك ازخواب پرید ونعره کشید که:

«خدایا خون ملت ما میریزد». این گفته وپا برر کاب نهاد و در دل شب آغاز پیکار کرد.

درنخستین گامها فرانسویان شکست خوردند ولی ژاندارك خودجلودویده و شمشیر ازغلاف کشید وگفت: تا فرمان آسمانی را سرانجام ندهم شمشیرغلاف نکنم وبا سرعتی شگرف باپرچم سپید بجلو راند..

خون پاك سربازان جوشید.. جنك باسختی تمامتری درگرفت...

هنوز روز به نیمه نرسیده بود که محاصره اورلئان پس از هفت ماه شکست در روزفرخنده ۸ مه ۱۴۲۹ رها شد. (مردم حقشناس اورلئان هنوزدرین روز به افتخار ژاندارك جشنها بپامیکنند)

آری... ژاندارك درین پیکار بسختی زخمین گشت وبستری شد ولی پس از این پیروزی بسوی نجات دیگرشهرهای فرانسه پرداخت وآن شهرها را رهائی بخشید. چندی گذشت وفتحهای نمایان ژاندارك دلهای لرزان خاندان پادشاهی و ملت را ازتپیدن بازداشت

یك هفته پس از گشایش شهر «تروا» شارل هفتم بشهر «رمس» درون شد و بدست ژاندارك درکلیسیای شهر،تقدیس و تاج گزاری نمود اند ژاندارك پس از بوسیدن زانوی شاه گفت : شهریا را مرا فرمان دهید تا بسوی دهکده خویش رهسپار گردم زیرا گفتار من براستی پیوسته و شهر های فرانسه از محاصره رها شده وروح شهامت وپیکار فرانسویان وگرامندی خاندان پادشاهی تجدیدشده است بهرحال دیگر نیازی بماندن من نیست.

شارل هفتم ازین سان گفت وشنود ژاندارك گرفته شد و اجازه بازگشت بوی نداد وفرماندهی بخشی از ارتش را بدوسپرد .

ازین روزبه بعد دیگر ژاندارك تبسم بلبان خوش منظرش راه نیافت گویا بوی الهام در رسیدن مرك درسیده بود یکسال دگر ، هنگامیکه ژاندارك به کمك اهالی شهر «کومپین» می شتافت تاآنان را ازگیر دشمن برونی رها کند زخمی وگرفتار «بورگونیها» شد «بورگونیها» ویرا به انگلیسها به بهای گزافی فروختند .

درین زمان شور وهیجان دشمنان ژاندارك علیه وی بلندشد و انگلیسها نیز اینگاه را ودی شمرده واحساسات ملت فرانسه را برضدوی برانگیختند وماموریت ویرا ازسوی ابلیس انگاشته وهمچنین وانمود کردند وشگفتی برون ازحدی را بر ملت فرانسه حاکم نمودند.

فی الجمله مجلس برای محاکمه وی برگزار گشت وبمناسبت اینکه اوماموریت و فرمانگزاری شیطان را داشته محکوم شد و بدست دژخیمان فرانسوی در آتش سوخت .

اکنون شهامت واخلاق وپاکی ، رزمندگی وپرهیزکاری این دختر دهقان رابپایه ای شناخته اند که او را درشمار زنان نامی و بزرگوار جهان شمارده اند. جای دارد که بروان پاك ومقدس این دخترك دهقان که برای رهائی میهن از چنگال استعمار بیگانه ،حتی از تیر های تهمت وناسزا وفحش ونارو انهراسید وجان برکف جانفشانی نمود تا حق ازدست رفته ملت فرانسه را بدست آورد درود می فرستیم .

زیرا اوامی توانست گواه چشم اندازها و پرده های بدیع جنایتکاران بیگانه باشد وبگون رادمردان جهانگشای بپای خواست ونگارشات زرگینی را با خطوط برجسته در تاریخ فرانسه بازگذاشت

پاینده ایران

همه با دولت مصدق پیش

اهل ایران همه صغار کبار
همه دارید گوش این گفتار
تا مصدق رئیس دولت هست
آید اسباب هر مراد بدست
هان بیاید همه صغیر وکبیر
متحد همچه دانه زنجیر
کارگر، دیهقان همه با هم
دست وحدت همه دهید بهم
مرد و مردانه انارین پیکار
همه برضد ظالم و استعمار
همه با دولت مصدق پیش
همه با هم بسوی مقصد خویش
باشد این مود ضد استبداد
هست دیکتاتورنا راست و داد
این سیاستمدار با تدبیر
عاری ازمکر وحیله وتزویر
خواهد از هر اداره و بنگاه
دزد ها دستشان شود کوتاه
هرچه دزدست وخائن وپاسوس
کند از کار خویشتن مایوس
نقش خائن همه بر آب کند
کاخ ظلم و ستم خراب کنند
تا بود دزد مصدر هرکار
هست ملت بدرد ورنج دوچار
حالیا دزد های قند و شکر
عوض ما خورند خون جگر
میکشد بعد ازین بپای حساب
هرکه مارا نموده زجرو عذاب
نیست شایسته چنین دولت
بسر خلافش عمل کند ملت

از : محمدمداح کارگر دانشکده کشاورزی کرج

ارتش ایران

بقیه از صفحه ۱

ودستهای ناپاك آن گشتم

بهر تقدیر، چون دانشکده حقوق را بپایان رسانده بودم بنام افسر قضائی به نیروی دریائی جنوب معرفی شدم

• • •

روز ۱۶ فروردین ۱۳۲۸ خودرا بستاد فرماندهی نیروی دریائی معرفی کردم.

پس از چندروز دربدری و بلاتکلیفی که عدم روح انضباط ودیسپلین رادراین دستگاه نشان میداد دردادگاه عادی نیرو مشغول انجام وظیفه شدم از روز ۲۱ فروردین تا روز ۲۶ شهریورماه یعنی روزیکه ازنیروی دریائی بسالوس وریا دستگاه فرماندهی باهواز واز آنجا به بهبهان و کهکیلویه تبعید گشتم باحقایق تلخ وزننده‌ای روبرو گشتم، حقایقی که اگر امروز مورد توجه قرارنگیرد وتنها با صرف کمیسیون برگزارشود

بجرئت سوگندیادمیکنم که شیرازه امورمیهن ما ازهم گسیخته خواهد گشت و ودیری نخواهد پائید که غول کمونیسم یا استعمار ماوراء دریاها بهمه چیز ما به شرافت، باستقلال و بحق حیات ما چیره خواهند گشت

دادگاه عادی

واقعا شرم آوراست کسانی که مظهر همه گونه پلیدی وفساد بودند تمام دوره زندگانی خودرا بادزدی، خیانت، برادرکشی گذرانده بودندوهیچ گونه سوادو معلوماتی نه تنها درحقوق بلکه درهررشته‌ای که فکر کنید نداشتند تنها براثر خوب بله بله قربان گفتن به مقام ریاست دادگاه نائل گشته وهم اکنون نیز میشوند.

دادگاه عادی نیروی دریائی درسال ۱۳۲۸ بریاست سرهنگی که امروز باز نشسته شده وطبرسی نام داشت اداره میگشت این سرهنگ بیسواد که دراین هنگام باسمت رئیس دادگاه باجان ومال وناموس مردم بیگناه بازی میکرد بدون اینکه ازقانون مطلع باشد احکام عجیب و غریبی صادر میکرد واغلب درجلسه رای نهائی به قضات دادگاه میگفت که نظر تیمسار ظلی یعنی نوکر حلقه بگوش استعمارجنوب درمورد این پرونده دوسال زندانی است وبدین ترتیب بی جهت احکامی صادر میکردند که در صدورآن نه روح قانون نه بروح نصفت ونه به روح سربازی بهیچ یك توجه نداشتند صدور رای تنها بر اثر خواست مقامات شرکت نفت وبدستور مستقیم فرمانده نیرو بود.

گاهی که این دادگاه دچاراف‌کار متشتت میگردید صحنه های مضحك ودرضمن دلخراشن ایجاد میشد مثلا یکبار به متهمین حکم دادگاه را ابلاغ کردند وبرای هر یك مدت یکی دوسال زندانی نوشتندولی گویامقامات بالاتر این حکم را نپذیرفته بودند که ما دیدیم آمدند و حکم را پاره کردند! وحکم دیگری نوشتند و مدت محکومیت این زندانیان را چندین برابر کردند.

قانون مصرح است که هیچ حکمی را نمیتوان تغییر دادوحکم پس از صدور باید اجرا شود ولی این سرهنگ رذل وبدنام برای خوش خدمتی حکم را عوض مینمود ودستور تیمسار را از قانون عالی تر وبالاتر میدانست.

یکبار عده ای را بدادگاه آوردند تاآنهارا محاکمه نمایند دادستان برای این عده تقاضای اعدام کرده بود درباره این تقاضا که بدستور صریح فرمانده نیروی دریائی بود درمیان افسران جوان ومیهن پرست وبعضی ازافسرای ارشد وپاکدامن گفتگوهائی ازغیرانسانی بودن این دادخواست بمیان آمده بود.

من براثر نهیب وجدان وکالت این عده را پذیرفتم این عده متهم بودند که در جزیره خارك شورش کرده‌اند ولی موقعیکه من در پرونده خوب دقیق شدم دریافتم که تمام حقه بازیها وتحریك‌ها زیر سر فرمانده جزیره خارك که یك استوار دزد کهنه کاری بود انجام شده او برای آن که خودرا بنحوی نجات دهد وازاین جزیره خلاص شود این عده را تحریك بشورش کرده بود ولی ازبد حادثه دامنه این شورش بسیار وسیع گشته بود وخود استوار نیز به تله افتاده بود.

امادرهای این تله برای فرار این استوار زود بازشد واو ازچنك قانون فرار کرد زیرا پول داشت زیرا بامقامات بدنام وجاسوس ارتباط داشت او بجای آن که بگنج زندان رهسپار شود با صرف پول به خرمشهر آمد وسپس برای مرخصی چندماهی ازخرمشهر خارج شد ولی این سربازان ساده دل و شجاع چون پول نداشتند مستحق اعدام تشخیص شده بودند.

این دادگاه سروصدای زیادی براه انداخت من ویك عده افسر جوان از این بی گناهان رنج کشیده دفاع کردیم و بالاخره توانستیم با دفاع مستدل خودرای بعضی از افسران جوانرا که تهدید شده بودند عوض کنیم واین پیروزی حاصل شد که مدت زندانی آنهارا به سه سال وپنج سال تقلیل دهیم

همین دفاع، همین حقگوئی ما باعث شد که برای ما پرونده‌سازی کنندومارا دشمن ارتش معرفی می کنند درحالی که ما ازصمیم قلب ارتش رامی پرستیدیم ودرراه آن ودرراه عظمت وسربلندی آن باپلیدی ها مردانه میجنگیدیم.

آقای دکتر مصدق

بقیه از صفحه ۱

آنان لعنت ونفرین میفرستند.

صدای ضجه و ناله کودکان بگوش میرسد.

که آخرین دقایق حیات را طی میکند: ولی درآن لحظاتی که نورزندگی چشمان بی فروغ آنان را ترك میگوید فریاد:

یامرك یامصدق میکشند

آری این مناظر و صدها صحنه خونین وغم انگیزتر.

واز آن تلختر لباس سیاهی که هنوز بدن عزیزان این کشتگان را تاریك و ظلمانی دارد از جلو دیدگان ما وشما میگذرد

آری آقای دکتر مصدق خونبهای نخست وزیری شما این بار قربانی شدن صدها پیروجوان بوده است

پایه‌های این مقام را صدها امید و آرزو که برای ابد وهمیشه درآغوش خاك نهفته شده مستحکم ساخته است.

چه بیچارگانی که برای شما وبخاطر موفقیت میهن درگوشه‌های مریضخانه هنوزخفته‌اند وازترس شماتت دشمن مهر سکوت برلب نهاده و جز دردل شب نزد پروردگار خود جای دیگری ناله وشکوه هرگز نمیکنند

چه دلیران و آزادگانی که امروز ازنعمت دست وپا محروم‌اند، ولی از این دلخوش وشادکامند که مردی چون شمادوباره زمام اموررادردست گرفت تابدنبال آرزو های آنان مردانه گام بردارد.

چه عیب دارد که دراین جهاد مرك و زندگی یا نسل ایران منقرض گردد و یا فاتح وسربلند بیرون آئیم.

آقای دکتر مصدق، چه اشکال دارد که ما وشما هم کشته شویم تاتاریخ چون تربیت یافتگان مکتب حسین بن علی (ع) و آریوبرزن در باره شما و ما قضاوت کند.

مگرنه اینستکه مرك دیریازودهمه مارادربر خواهد گرفت.

مگرنه اینکه از آغاز نفوذ شرکت نفت وایادی انگلستان دراپران ملیونها هم میهن شماوما بدست این ناجوانمردان باهزاران امید و آرزو در آغوش خاك خسبیدند.

مگرنه اینست که ازآن همه مردان شیردل و آهنین بازوکه بداستانها ما خوانده‌ایم براثر جنایات این دستگاه اهریمن جز نسلی رنجور وپریشان واجسادی بی‌روح وبی‌فروغ برجای نمانده‌است

خون ما که ازخون دیگر برادرانمان رنگین‌تر نیست.

بگذارید شجاعانه گام برداریم و تصمیم قطعی وخطرناك بگیریم.

بگذارید یانسل ما منقرض گردد ویا فاتح پیروز بیرون آئیم.

هرچند پیام شما در پاسخ اعلامیه مشترك محکم بود ولی بنظر ما عفو و بخشش وملایمت و رادمردی درمقابل این دشمن ناجوانمرد سخت اشتباه است.

بدانید:

اظهار عجز پیش ستم پیشه ابلهی است

اشك کباب باعث طغیان آتش است

انگلستان و ایادی او از ما چیزی طلبکار نیستند که باخجالت وشرم بخواهیم بآنان چیزی پیشنهاد واظهار نمائیم. برای ما دوستی ونزدیکی انگلستان نه تنها مفید نیست بلکه مضر است.

چه اشکال دارد که روابط ما با انگلستان هم قطع گردد.

باید جسور بود این نسل، نسل خون است ونطفه او در خون بسته شده.

بگذارید تا این دوران یك عهد فراموش نشدنی در تاریخ ثبت شود.

هرگاه قلم شما برصفحات کاغذ می گردد خوب بخاطر داشته باشید خون شهدای ۳۰ تیراست که براوراق آن نقش می بندد.

وآنگاه که فکر شما متمرکز می گردد وصورت ذهنی تصمیمات شما مجسم میشود.

فریاد آن تیر خوردگانی را بیاد آورید که درآخرین لحظات حیات باشعار یامرك یامصدق برروی خاك غلطیدند.

ملت ایران بعد ازاین بدنبال یك زندگانی قهرمانی میدود دیگر حاضر به تسلیم نیست،

یك نسل قهرمان هم خواه ناخواه با خون مانوس است.

درجواب ایادی انگلستان باید گفت آندوران غفلت ملت ما سپری شد. که چرچیل واستادانش برای نیروی دریائی انگلستان سهام نفت میخریدند بعد از این طرحها وآرزوهای کاپیتان فیشر دیگر درآغوش خاك خواهد خسبید.

ملت ایران بدنبال یك زندگانی ایده آلی برخاسته است وبرای رسیدن بمقصد جان برکف گرفته.

ملت ایران نه تنها کوچکترین عفو اغماض را نسبت بدعاوی شرکت سابق نفت وایادی انگلستان روانخواهدداشت بلکه بدنبال حق ازدست رفته خویش قیام خواهد کرد.

ماهرگز عظمت گذشته میهن خودرا ازیادنخواهیم برد!!

ما پس ازپایان مبارزه نفت تجهیز خواهیم کرد تا به ملوك الطوایفی جزایر خلیج پایان بخشیم

ودست قطاع الطرق را از دربند قفقاز کوتاه کنیم.

باشد که تااین نسل قهرمان ماموریت تاریخی راکه ازجانب پروردگار برعهده اش واگذار شده‌است نیکوانجام دهد.

وباشد که در مقابل آیندگان نسل ما علی‌رغم گذشتگان سرافرازونسلی آهنین اراده وشناخته گردد.

سرعت در ساعت ۳۵ / مصرف صد کیلومتر یکچارك نفت معمولی.
از شهرستانها نماینده می پذیریم

مژده

بدارندگان دوچرخه پائی

شما دارای هر بودجه باشید بازمیتوانید با خرید یکدستگاه موتور دیزل آلمانی که قابل نصب به هرگونه دوچرخه پائی میباشد برای بدترین وسربالاترین جاده های ایران ساخته شده وفقط درصد کیلومتر یك چارك نفت معمولی مصرف میکند خود را اززحمت پازدن آسوده سازید

برای خرید به بنگاه فنی پروانه خیابان فردوسی تلفن ۳۲۱۶۳ یا به نماینده انحصاری سرای فردوسی

شرکت خورشید شرق گلوبندك مراجعه فرمائید

شما هرجا عروس زیبا به بینید وسئوال کنید
فوری بشما جواب میدهد که من زیبائی خود را مدیون آرایشگاه ایران نو
مخصوص بانوان میدانم
نشانی پشت شهرداری - آرایشگاه ایران نو مخصوص بانوان
شهرت ماه

بانوان محترم

عاقبت علمای آلمانی باکشف آخرین داروی

فرششماهه سرد

شما راازریزش موسر وموخوره و زحمت فرهای گوناگون نجات داد

به آرایشگاه ایران نو مخصوص بانوان

تشریف بیاورید موی سر خود را بمناسب ترین قیمت بیمه نمائید

نشانی: پشت شهرداری آرایشگاه ایران نو مخصوص بانوان

آگهی حزبی

کلاس آموزش زبان فارسی همه هفته بجز روزهای شنبه وسه شنبه درجایگاه حزب تشکیل می گردد برای اطلاع ازشرائط عضویت بدفتر تشکیلات مراجعه نمائید

دفتر تبلیغات حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم

ازاین تاریخ کارت خبرنگاری این روزنامه درشهرستانها ازدرجه اعتبار ساقط بوده شایسته است مسئولین مربوطه در هرشهرستان یك نفررا باقید مراتب لازم ببخش تبلیغات معرفی نمایند.

دفتر بخش تبلیغات حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم

هنرستان عالی رانندگی و میکانیکی ایران

هنرجو میپذیرد ودرچند جلسه فن دلپسند رانندگی ومکانیکی را بشما میآموزد برای اطلاع بیشتر بدفتر مرکزی خیابان فردوسی مقابل ثبت تلفن ۳۳۲۵۸ مراجعه نمائید

کلاسهای متوسطه ابتدائی زبان

ماشین نویسی ودفتر دوبل و حسابداری) توانا

درصورت عدم موفقیت دانش آموزان درامتحانات نهائی نصف ماهانه ۹ ماه مردودین رامسترد می دارد

(کلاسهای آموزش بوسیله مکاتبه)

درهرکجا باشید برای شما تمام دروس را تدریس می کنید با ما مکاتبه فرمائید

شهرت ماه

نشانی خیابان نادری قوام السلطنه

کتاب

در پیرامون ملت

دومین نشریه حزب ملت ایران بزودی منتشر می‌شود

آپادانا

ارگان حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم

دارنده امتیاز: امیرسلیمان عظیما

زیرنظر هیئت تحریریه

برای آگهی درسینما وجراید به آژانس تبلیغاتی شهرت ماه پاساژ جدید مهران مراجعه فرمائید

آگهی

اسم	پدر	شهرت	شغل	شناسنامه	متولد	سابقا ساکن	آزاد	مهم
رضا	احمد	پارسا	کارگر	۱۱۱۴	۱۳۰۰	آمل کوی پائین بازار	بقید کفیل	اهانت ومقاومت بپاسبان

که فعلا مجهول المکان است اخطار میشود ازتاریخ نشرآخرین آگهی بمدت سه ماه در دادگاه جنجه بابل برای دفاع دردراطراف اتهام انتسابی حاضرشود والا با گذشتن مدت مرقوم غیابا رسیدگی ودادنامه مقتضی صادرخواهدشد بعداچنان چه احتیاج به آگهی باشد یك مرتبه ومدت آن ده روزخواهدبود

۲-۳

مدیردفترداد گستری شهرستان بابل - پارسا

در ایران ما

چرا سرلشگر بهارمست دست عمال بیگانه را درارتش باز گذاشته است

بطوریکه خوانندگان محترم اطلاع دارید جراید منتسب بحزب توده بعداز وقایع شوم سی ام تیرصریحا علیه وزارت دفاع ملی و ستاد ارتش دست بیکرشته اقدامات خطرناك زده اند و با انتشار مقالات موهن وزننده خودتیشه بریشه ملیت میزنند وقلوب عموم افرادآزادیخواه و وطن دوست را جریحه دارساخته اند وتنها بانتشار مقاله اکتفا نکرده حتی علنا در ارتش بخرابکاری مشغولند و سپاز ان غیور وافسران جوان رابضدیت علیه سازمان ارتش برانگیخته اند در این جریانات عده ای ازصاحبمنصبان ارشد ارتش نیز که سالیان دراز است برعلیه منویات ملی مشغول توطئه سازی هستند باآنان همدست شده اند و درزیر پرده بخراب کاری مشغول میباشند

ما معتقدیم که باید هرچه زودتر آقای سرلشگربهار مست اقدامات شدیدی برعلیه بیگانه پرستان درارتش بنماید واگر نمیتواند فورا ازاین پست حساس که با استقلال کشور بستگی دارد برکنارشود.

آتش زدن خرمن ها و جنگلها بدست عمال ستون پنجم روسیه

طبق اطلاعیکه ازنقاط مختلف کشور توسط خبرنگاران مارسیده اکثر آتش سوزی ها وخرابکاریها که درنقاط مختلف انجام می گیرد بدست عمال توده ای میباشد که بدستور اربابان خود این اعمال خلاف بشریت را انجام می دهند تازارع بدبخت شده واز روی استیصال به مرکز برای کارهجوم آوردو سیل بیکاران درطهران سدی برای نقشه های اصلاح طلبانه دکتر مصدق گردد

درضمن طبق تاکتیك کمونیستها که در دوره قبل ازروی کار آمدن دولت کمونیستی چین انجام میدادند درایران نیز عمل نمایند.

ولی این جاسوسان بدانند ایرانیان بیدار ومیهن پرست هشیار تراز آن هستند که این خائنین تصور نموده اند وشدیداً جلو خرابکاریها و جنایات آنها را خواهند گرفت.

سفارت ایران درترکیه مرکز جاسوسی وتوطئه برعلیه ایران شده است

طبق اطلاعات واصله که درشماره قبل نیزشمه ای ازآن به اطلاع خوانندگان رسید .

درسفارت ایران درترکیه علیه منافع ایران و نفت ملی شده توطئه هائی انجام میگیرد وآقای زند نیزدراین جریانات ضدایرانی شرکت داشته وبه جاسوسان وعمال بیگانه کمك های شایانی مینماید .

چنانچه مقالات زننده ایکه اخیرا در بعضی جراید ترکیه برعلیه ایران چاپ شده . با اطلاع قبلی آقای زند بوده است ما ازجناب آقای دکتر مصدق خواهانیم که دراین مورد رسیدگی کامل نموده وفورا آقای زند را ازسمت خود معزول وشخصی شایسته ومورد اطمینانی راکه منافع وحیثیت ایرانیان را درترکیه محفوظ نگاهدارد به جای این شخص منصوب نمایند .

رحیم نامور جاسوس بیگانه دربیمه چه میکند

رحیم نامور مدیرمعلوم الحال روزنامه شهباز که از صندوق شرکت بیمه ایران حقوق میگیرد معلوم نیست بچه مناسبت از طرف اداره بیمه کارگران طبق ماموریت محوله درکارخانه ها بضررشرکت بیمه و دولت تبلیغات سوء میکند .

این عنصرمخرب بدون آنکه کوچکترین اقدام مثبت وموثری برای شرکت انجام دهد مرتبا همه روزه درکارخانجات مختلف حاضر میشود وکارگران را علیه دولت تهیج میکند .

ما جریان اخلالگری های ناموروسایرجریانات پشت پرده شرکت بیمه را بتدریج درسلسله مقالات آینده فاش خواهیم ساخت .

دمونستراسیون باشکوه اعضاء حزب ملت ایران در بابل

چندی قبل دمونستراسیون باشکوهی از طرف اعضاء حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم توسط ده ها دوچرخه سوار درخیابانهای بابل انجام گردید . و درمسیر خودبااحساسات و استقبال شایان توجه مردم شرافتمند بابل رو برو می شدند .

پس ازاتمام دمونستراسیون افراد حزب درمیدان شهدا اجتماع نموده آنگاه سرور دکتر حسن کریاسی وسرور حسینی سخنرانیهای مهیجی ایراد نمودند وتظاهرات درساعت ۸ بعد از ظهر مقابل دبیرستان شاهپور بابل خاتمه یافت .

رانندگان خطوط ۵و۶ و ۲۵ در تمام تظاهرات ملی پیشقدم می باشند

روز یکشنبه که مواجه با ورود حضرت آیت الله کاشانی بطهران بود نمایندگان ورانندگان خطوط ۵ و۶و۲۵ که وابسته بحزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم میباشند اغلب اتوبوس های خودرا بطورراپگان در اختیار اشخاص برای رفتن بفرودگاه میگذاشتند .

ما ازاین عمل رانندگان مبارز خطوط ۵ و۶ و۲۵ تقدیر نموده وامیدواریم درهر امرملی پیشقدم باشند .

سرطان استعمار

بقیه از صفحه ۱

بهبود وضع اقتصادی میهن ما نکرده اند بلکه همیشه دوشا دوش وهمراه با دیگر دولتهای زورمند سد راه آزادی ملت ما شده اند .... مگر همین امریکائیها نبودند که می خواستند در پایان جنگ جهانگیر دوم دست دردست دواستعمار روس وانگلیس نهاده وایران رازیر نظر یك کمیسیون سه جانبه قرار دهند .... مگر همین زورگویان نبودند که در شرای امنیت بضرر ایران کوشیده و حتی درداد گاه لاهه نماینده آنها ازپاپ هم کاتولیك ترشد و از دادرس انگلیس پیش افتادو سرانجام مگر این آقای ترومن نیست که بی شرمانه باچرچیل یعنی مظهر نیرنگ سیاستمداران غارتگر انگلیسی همصدا شده و برای زنجیر کردن ملت ایران و چپاول نفت تلاش میکند .

پس نباید فریب این دامهای امپریالیستی راخوردو بامید رسیدن دلار، پای استعمار سیاه امریکا را بایران باز کرد و فردا انگشت پشیمانی بدندان گزید.

دکتر مصدق که تاکنون رهبری خردمندانه او ملت مبارز درمبارزه با استعمار پیروز گردانده نباید که این خطر بزرگ را نادیده انگار دوازیم نزدیکی امریکا بانگلیس پای آنها رادر ایران باز گذارد .... زیرا هم اکنون این نزدیکی انجام گرفته وانگلستان بکمك وپشتگرمی امریکا وسازش پنهانی باروسها است که اینگونه راه لجاجت می پوید وملت ایران رادر فقر اقتصادی نگاه می دارد .

ایرانی درروستاخیز خود بکمك بیگانه چه روس چه انگلیس چه آمریکا نیازی ندارد .... و ما باید این حس زبونی راکه زائیده تبلیغات استعماری ماست در ملت خود کشته و ایران را با بهره برداری از ثروتهای خداداد و بانیروی بازوی کلاه نمدیهاو پا برهنه ها بسر زمین نیکبختی وسر افرازی بدل کنیم .

پاینده ایران

پان ایرانیسم اندیشه

بقیه ازصفحه ۱

پنجاه ساله اخیر بخوبی آشکار شود و بانیان آن شناخته گردد انگاه زبان حق گوی خودرا بکارمیاندازد وحقایق تاریخ را برتو عرضه میدارد راه مبارزه ، راه زندگی پرافتخار آینده را در برابر دیدگان تو قرار میدهد

هم اکنون ما بافرمان پان ایرانیسم گوشه ی دیگری از جنایت ها، خودکامیها را شارمیدهیم و بازهم ترا ای خواننده این سطور خونین. باین راز آگاه می کنیم که پیروزی دراین راه آسان وسهل نیست دراین راه تو باید ازهزاران کوه و کمر بگذری از هزاران مرداب و گندآب اجتماعی چنان پرتوهای فروزان فکرخود را پرتو افکن کنی که دیگر اثری ازاین مکان های پرورش فساد برجای نماند وسر انجام این بیغوله ها و ویرانه ها بباغ های سبزوخرم تبدیل گردد

مفهوم دادگستر ، دارائی ، پست و تلگراف و همه سازمان های اداری به یکباره باید عوض شودمفهوم سازمان دای تربیتی راه مفهوم حقیقی خود را در بر گیرد .

کوتاه سخن- همه عوامل اجتماعی و همه طرزفکر و اندیشه کنونی باید واژگون شود و برویرانه های آنها سازمان های جدیدکه بااندیشه نوین پان ایرانیسم مجهز میباشند ایجاد گردند

از اینرو ما باید یك انقلاب بزرك درفرهنك میهن خودایجاد کنیم وبا ایجاد یك فرهنك نوین و زنده ، جهان پر از انحطاط کنونی را نجات بخشیم و باردیگر مشعل فرهنك ایران را در همه نقاط جهان شعله ورسازیم

پس ابتدا باید بدانیم که فرهنك چیست؟ عده ای از نام فرهنك تنها نام مدرسه وموسسات تحصیلی وآموزشی را درخاطرخود مجسم میسازند، عده ای دیگر ازاین نام، بیاد ادبیات ونویسندگی وشعر می افتند وتنها ازنویسندگان بزرك ادیب خود یاد میکنند وفی المثل تاریخ ادبیات خودرا تنها همین فرهنك خود می شناسند

این تعابیر ازفرهنك و از معنی این کلمه صحیح نیست، این تفاسیر تنها قسمتی ازواقعیت را در بردارد وبهرحال ناقص وناتمام است .

ما دراینجا بزبان ساده سخن میگوئیم و وارد تعاریف گوناگونی که از طرف حکمای بزرك درباره فرهنك بعمل آمده نمیگردیم وآن را واگذار بمورد علمی خود می کنیم تنها در اینجا می گوئیم که

فرهنك یعنی تظاهرات زندگانی اجتماعی یك قوم یا یك ملت یا یك نژاد .

با این تعریف فلسفه اخلاق ، فلسفه فکروراندیشه، فلسفه بقا وزندگی نیزدرآن وارد میشود ازاین رو می بینیم که این تعریف که یك تعریف صحیح و دقیق است همه تظاهرات زندگانی اجتماعی ما را در بر میگیرد ازطرزسلوك ما درخانواده ، در مدرسه ، در محیط اداره گرفته تاسبك نویسندگی ، فکر هنری و صنعتگری و اندیشه های علمی تا نوع سیستم پرورش جسم وخلاصه عالم پزشکی همه درزیرقلمرو جهان فرهنك قرار میگیرند یا به تعریف دیگر فرهنك را این طور بیان می کنیم

روش های حسن قبول یافته در مورد تظاهرات اخلاقی، فکری و عملی

حال که معنی فرهنك راکم و بیش شناختیم باید بگوئیم که لااقل همیشه دو نوع فرهنك در جهان دیده شده یکی

فرهنك متحرك و زنده ودیگری فرهنك ثابت و افسرده

فرهنك زنده فرهنگی است که خودرا با خواستهای اجتماعی مردم آشنا نشان میدهد یا مربیان دیگر نمودارتظاهرات زندگی آنهاست فرهنك ثابت وافسرده فرهنگی است که میکوشد آرزوها و غرایز یك اجتماع زنده راخفه کندیا آن که این غرائز را ازمیل بطرف زندگی بازدارددراینجا مابرای آنکه فرهنك ثابت و افسرده را نشان دهیم یك چند بیت شعر از اشعار سنائی را یادآورمیشویم

در جهانی که عقل و ایمان است
مردن جسم ، زادن جان است
تن فدا کن که در جهان سخن
جان شود زنده چون بمیرد تن
دشمن حق تن است خاکش دار
قبله حق دل است پاکش دار

چند شعر فوق نمونه زنده ای ازفرهنك جامد وغیرمتحرك میباشدشمادراین اشعار چه می بینید؟ !

این اشعار بمنزله زهرزندگی است این طرز فکر که بصورت نظم بمن رشما ازچند سال پیش عرضه شده هرچند بظاهر فیلسوفانه وحکیمانه مینمایدولی درحقیقت تراوش ذهنی دوره ایست که مردم اززندگی روی گردان شده اند، این طرز اندیشه مارا از فعالیت بازمیدارد، مارا ازکاروکوشش منصرف میکند مارا به عزلت و گوشه گیری و هزاران بلای اجتماعی دیگرمی کشاند زیرا این موضوع دیگرنیاز به استدلال ندارد و یك پند حکیمانه ویك دستور غریزه زندگی است که :

«عقل سالم در بدن سالم است»

موقعیکه ما بیمار بودیم، موقعیکه ما بیهداشت خود، غذای خود، بورزش خودبی علاقه بودیم بدون هیچ شك وشبهه بیمار و ناتوان هستیم واین موضوع حسی است که شخص بیمار در زندگانی فعالیت نمیتواند داشته باشد شخص بیمار نسبت بزندگی بدبین است فعالیت دیگران اورا ناراحت میکند

همه چیز های زندگانی که در نظر اشخاص سالم شیرین و لذت بخش است درکام او تلخ وناگوار میباشد و خلاصه آنچه راکه امروز علم معرفت النفس بما میآموزد یك چنین موجودی انگل وسربار جامعه خواهدبود وجز بدبختی وبیچارگی چیزی نصیب اجتماع خویش نخواهد کرد.

بلی بااین نوع طرز فکر بود که سرانجام دندان های استعمار بندهای محکم ملیت مارا جوید ورشته نیرومند وحدت ملت مارا پاره کرد ومارا بروز سیاه و ناکامی کشاند

پان ایرانیسم کاریکاتوریك نهضت خارجی نیست پان ایرانیسم زبان گویای تاریخ ملت ما، ودست نیرومند انقلاب آینده ایران است .

ماراز بدبختی و خوشبختی ملت خود را تمام عیار در تاریخ ملت های دیگر جهان جستجو نمیکنیم وکودکانه یارندانه نسخه دوم یك اندیشه خارجی نمی شویم بزرگترین راهنمای خود را تاریخ ایران میدانیم واز فرمان آن هیچ گاه روی نمی تابیم پس اگر ماکمتر از تاریخ ملل دیگر سخن بگوئیم واغلب برتاریخ ایران تکیه می کنیم از اینروست که ما ایران پرستی را شعار خودساخته ایم نه بیگانه پرستی و بیگانه خواهی را .

واگرگاه و بیگاه درتاریخ ملل دیگر سرفرومی کنیم وآن را بادیدگان کنجکاو مورد مطالعه قرار میدهیم ازاینروست که میان تاریخ ملتهای مختلف یك پیوند و ارتباط محکمی می بینیم وهمانطور که در همه عرصه زمین شدت سرما وگرما در زمانهای مختلف سال فرق میکندو بالاخره گرما وسرما روی خودرا بهمه نشان میدهد وهیچکس راگریزی ازآن نیست همانطور نیز حوادث مختلف تاریخی باقیافه های متفاوت ولی باحقیقتی واحددرهمه کشور های جهان روی میدهد و ما ناگزیریم این حوادث را بشناسیم تا باشناسائی آنها توانائی بیشتری درحفظ ملیت وقومیت و تعالی ملت خودبدست آوریم بدین ترتیب ناگزیر هرکجا که لازم شدعلت انحطاط یا پیشرفت یك ملت را بمنزله یك تجربه تاریخی نشان میدهیم تا در عمل باقدرت بیشتری کار کنیم زیرا همانطور که گفته اند .

«دانائی توانائی است»

پایه هرفرهنك ملی که آینه تظاهرات زندگانی اجتماعی یك ملت است بر پایه ارزش ها قراردارد وهمین تغییر ارزش های امروز دوفرهنك کاملا متفاوت به جهان عرضه کرده است .

یکی فرهنك ملی ودیگری فرهنك استعماری

وقتی کمونیستها

بقیه ازصفحه ۱

توانستند تفنگی در دست بگیرند به جبهه فرستاده بودند . ازمیان رفتن سران فامیل ها - باعث شده بود که بسیاری از فامیل های ده نیز متلاشی گردد زنان بهمراه کودکانشان بخانه های پدرانشان بروند خانه هاده یکی پس از دیگری متروك گردد .

ازده آباد یکسال قبل، جزیك قریه نفرین شده قریه داغدیده ها و پدر مرده ها، قریه ای که گوئی خاك مرك برآن پاشیده بودند چیزی برجای نمانده بود.

اهالی دهکده را یك مشت دهقانان بی چیز زنان ومردان پیروچند کودك تشکیل می دادندواز حرکت وفعالیت ومحیط شاد وآرام سال قبل خبری نبود ... دو هفته بعد یك روزصدای طبل این عده محروم وزجردیده را که هم درزمان حکومت چیانك وهم در زمان حکومت کمونیستها همیشه بافقرو فلاکت دست بگریبان بودندبرای تشکیل میتینك بمیدان دهکده خواند. چقدر مردم ازصدای این طبل و تشکیل متینك نفرت داشتند.

اما چاره ای نبود. دهقانان باچشم هائی که ازوحشت وتگرانی خیره شده بود بطرف میدان دهکده براه افتادند.

متینك های چند ماه اخیر همه بخون ریزی ،مرك ویا ازدست دادن پسرانشان منجر شده بودو باین جهت دهقانان فوق العاده نگران شده بودند .

کسی نمی دانست که رهبر حزبی چه نقشه تازه ای طرح کرده است . دهقانان فقط بخاطر می آوردند که رهبرحزبی در متینك های گذشته گفته بود: ثروت ثروتمندان و جان فقرا همه باید به جبهه برود. «و» هرنوع مقاومتی درپشت جبهه باکمال قساوت خواهدشد. ما برای جبهه سرباز لازم سرکوب داریم ثروت وسپس دهکده وجوانان خانواده ها متدرجا - ولی با نظم خاص - بجبهه فرستاده شده وکم کم براثرخروج غله قحطی بدهکده روی آور گردیده بود دهقانان ازخودمیپرسیدند که میتنك امروز برای چه تشکیل شده است ؟ اما هیچکدام جوابی برای این سئوال پیدا نمی کردند .

یکربع بعد اهالی دهکده در میدان در برابر رهبر حزبی ایستاده بودند . رهبر با صدای بم وقیافه جدی گفت:

رفقا علف های هرزه از میان رفته اند واینك زمین برای شخم زدن آماده گشته است . رفقا زمین بشما تعلق دارد. ماشش هزارمترزمین را ازتصرف استعمار چیانی که شمارا باسارت گرفته بودندخارج کرده ایم . امروز ما میخواهیم این زمین ها را بین شما اعضای اتحادیه دهقانان بی چیز که اینك در جبهه هستند تقسیم کنیم .

آری دموکراسی توده بفکرخانواده دهقانانی است که در جبهه بسرمیبرند سك های جنایتکار گومین تانك جوانان را از دهکده هامی دزدیدند و بجنك خلق به جبهه میبردند ودر دهکده نیز زنان و فرزندان آنهارا بدهان فقر و گرسنگی می انداختند اما رویه دموکراسی مردم چنین نیست . ما توده رااحترام میگذاریم و برای سعادت آنها میکوشیم . هر سربازی که اینك در جبهه می اجنگد سهم زمین خود رادریافت میکند وهمسایگان او باید در غیاب وی زمین او را کشت کنند .

همچنین زمین مجروحین جنك که چشم، دست ویاپای خودرا ازدست داده اند باید بوسیله همسایگان ودوستان آنها کشت کرده وهنگام درو محصول بآنها تحویل شود .

دهقانان باتردید چشم هاشان را به رهبرحزبی دوخته بودند مثل این بود که میخواهند ازخطوط قیافه وی منظوراصلی اورا درك کنند . وعده ها خیلی فریبنده بود ولی دهقانان میدانستند که همیشه نظریات خطرناك بصورت این نوع وعده ها تظاهر میکند .

آنها بیادمی آوردند که چگونه چند ماه قبل رهبر حزبی گفته بود که ارتش جاده های دهکده را تسطیح میکند، جاده های جدیدی میسازد ، برای دهقانان دوا وپزشك می آوردو بکمك دهقانان محصولات را درو میکند ؛ درواقع همه این کمك ها صورت گرفته بود ولی درپایان فصل درو ارتش صدی هشتاد محصول و گروهی از جوانان قوی دهکده را باخود برداشته قریه راترك کرده بود .

دهقانان از خودمیپرسیدند که منظور رهبرحزبی ازپیشنهاد تقسیم اراضی چیست آیا اوواقعا میخواهد زمین ها را تقسیم کند

آیا میخواهد دل دهقانان رنجدیده را بدست آوردویا آنکه نظریات دیگری دربین است . هیچکس نمیتوانست جواب صریحی برای این سئوالات پیدا کند .

اما فردای آنروزرهبرحزبی دهکده دهقانان را ازشك وتردید بیرون آورد : زمین های وسیع که متعلق بملاکین وخورده مالکین بودبسرعت ودرهرض مدت کوتاه بین اعضای اتحادیه دهقانان بی چیز تقسیم شد .

دهقانانی که تا دیروز یك وجب زمین نداشتند ناگهان صاحب مزرعه های وسیعی که ۱۵ متروسعت داشتگردیدند . برای دهقانان بی چیز وفقیر این امرباور نکردنی بود اما درهرحال روی داده بود دهقانان بی چیز در واقع جای ملاکین بزرك یکسال قبل راگرفته بودند بالاخره فداکاری های آنها گرسنگی ها وبدبختی ها نتیجه داده وزارعین بیزرگترین آرزوئی که یك رعیت میتواند داشته باشد یعنی مالکیت زمین رسیده بودند .

بقیه درشماره بعد

نبرد پیروز

بقیه ازصفحه ۱

بزرك (رئیس) این هیئت بابیان محکم و اراده متینی که هیچگونه تردیدی برای حضار باقی نمیگذاشت و همگی را دچار بهت وشگفتی کرده بود بپیان ماموریت خود و همراهانش پرداخت و گفت : «که ای کراسوس ما اگراین سپاه راکه درفرمان شما میباشند دولت روم فرستاده است که بر ایران بتازد.

پادشاه ایران وایرانیان آماده هستند که تادم واپسین ایستادگی ومقاومت بکنند.

ولی اگر این لشگرکشی ومانور های بدون جهت علیه اراده ودولت روم است وشما برای تامین اغراض شخصی با اسلحه داخل کشورایران شده وشهرهای مرزی مارا تصرف کرده اید.

اردیادشاه ما حاضراست که بپیری شما ترحم کرده برومی هائی که در شهرهای او اقامت دارند اجازه بدهدکه بآسودگی و تندرستی خارج گردند ،زیرا پادشاه ما این عده از رومیها را محبوسین خود میداند پادگاه شهرها »

کراسوس که ازاین پیغام وتهورو جسارت فوق العاده سفیر ایران سخت به خشم وهیجان آمده بوددر حالیکه درآتش وحشت وتعصب میسوخت ودندانهای خود را بیرون آورده بود، ناگهان از جای به پا خواست وفریادکرد : «بس است ما نیت خودرا درسلوکید «پایتخت ایران» بشما خواهیم گفت !» و بیسگز درحالیکه تبسم تحقیر آمیزرا ازلبان خود دور نمی کرد ،گامی چند بجلو برداشت وآنگاه با کمال شهامت و مردانگی کف دست خودرا با جسارت کاملی باونشان داد و با آهنك محکمی گفت: «کراسوس!!! اگر درکف دست من موئی دیدی سلوکیدرا هم خواهی دید !»

این جمله شهامت آمیز باکمال جسارت وبدون هیچگونه وحشتی درمقابل سر - داران کشور بزرك و مقتدری چون روم گفته شد ،چنان تاثیری درحاضرین نمود که مدتی تحت تاثیر این کلمات جانگزا قرار گرفتند .چنانکه بیسگز وهمراهان او بدون اعتناء وفروگذاشتن (تودیع) از مجلس رومیها بیرن رفتند.

آگهی حزبی

شایسته است نمایندگی این روزنامه در هرشهرستان صورت حساب خود را به این اداره ارسال و درتصفیه بدهی خویش فورا اقدام نمائید درصورت عدم توجه روزنامه فرستاده نخواهد شد

مسئول روزنامه

آگهی حزبی

شایسته است مسئولین حزبی درشهرستان ها مکاتبات مربوط بروزنامه را مستقیما به عنوان مسئول روزنامه ارسال دارند ضمنا به مکاتبات بدون شماره وتاریخ ترتیب اثر داده نمیشود .

دفتر روزنامه